

چهارشنبه 27 فروردین 1399-21 شعبان 1441-15 آوریل 2020

آغاز سلطنت "جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی" پس از قتل پدرش "آلپ ارسلان" (465ق)



آغاز سلطنت "جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی" پس از قتل پدرش "آلپ ارسلان" (465ق)، سلطنت جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی پس از قتل پدرش آلپ ارسلان در چنین روزی از سال ۴۶۵ هجری قمری آغاز شد. طغرل بنیادگذار سلسله سلجوقی، تلاش زیادی برای به دست آوردن قدرت کرد. پس از وی، بهره آن قدرت را آلپ ارسلان و فرزندش ملک‌شاه سلجوقی بردند. آنان در دورانی نسبتاً آرام و در عین حال مقتدرانه و باعظمت سلطنت کردند. ملک‌شاه تنها هجده سال سن داشت که به پادشاهی کشوری به این بزرگی رسید. وی پس از بیست سال، در سن سی و هفت سالگی درگذشت. ممالک تحت سلطه ملک‌شاه، به قدری گسترده است که با قلمرو عباسیان در آغاز خلافتشان قابل قیاس است. ملک‌شاه بر سر سفره آماده نشست. راوندی به حق می‌گوید: پدران سلطان ملک‌شاه جهانگیری کردند و او جهانداري. با این حال، خود ملک‌شاه نیز تلاش زیادی از خود نشان داد. ماوراءالنهر با وجود دولت قراخانی، در اختیار ملک‌شاه بود. در بخش آذربایجان و ارمنستان، فرزندان قتلش سلجوقی فتوحاتی داشتند که گرچه قلمروشان به مملکت ملک‌شاه ضمیمه نشد، اما به هر روی تحت سلطه خاندان سلجوقی بود. زمانی که سلیمان فرزند قتلش انطاکیه را تصرف کرد، خبر فتح آن را به ملک‌شاه نوشت و به او تبریک گفت. از سوی دیگر، مناطق مرکزی ایران تا جنوب ایران به طور کامل تحت سلطه این شاه قدرتمند بود. هم چنین سرزمین‌های عربی، از شمال عراق تا شام و از آن سوی تا جزیره‌العرب همه در اختیار سلجوقیان قرار گرفت. با مرگ آلپ ارسلان، ملک‌شاه به سرعت به سوی ری حرکت کرد. این اقدام از آن روی بود که احتمال شورش برخی از امیران سلجوقی بود، طبعاً تسلط آن‌ها بر ری که کلید اصلی تسلط بر این قلمرو وسیع بود، دشواری زیادی به همراه داشت. قاورد برادر آلپ ارسلان، حاکم کرمان به سوی ری تاخت. ملک‌شاه نیز با سپاه خویش به سوی وی رفت. آن‌ها در کرج ابودلف با یکدیگر مصاف دادند. سپاه قاورد شکست خورد و خود وی، اندکی بعد دستگیر و کشته شد. با این حال، ملک‌شاه کرمان را به فرزندان او سپرد. ملک‌شاه سلجوقی اصفهان را به عنوان پایتخت انتخاب کرد. به همین دلیل در طول سال‌های سلطنت خود به آبادی این شهر همت گماشت. راوندی نوشته است: از جهت دارالملک و نشست خویش از همه ممالک اصفهان اختیار کرد و آنجا عمارت‌های بسیار فرمود در شهر از کوشک‌ها و باغ‌ها. این مرکزیت در کنار درایت و ذکاوت نظام‌الملک سبب شد تا دامنه این دولت تا این حد گسترش یافته و آرامش و ثبات بر آن حکم فرما باشد. روابط میان ملک‌شاه و القائم عباسی (م ۴۶۷) بسیار خوب بود. در اوایل سال ۴۶۶ القائم، حکم سلطنت ملک‌شاه را توسط گوه‌رایین نزد وی فرستاد. با مرگ آلپ ارسلان و بازگشت ملک‌شاه از ماوراءالنهر، حاکم سمرقند، برخی نواحی، از جمله ترمذ را به تصرف خود درآورد که سبب رفتن ملک‌شاه به آن دیار و بیرون راندن وی از بلخ و سمرقند شد. او آن سرزمین را به برادرش شهاب‌الدین تکش داد. تکش در سال ۴۷۳ بر ملک‌شاه شورید، اما کار با صلح تمام شد. وی در سال ۴۷۷ نیز بار دیگر سر به شورش برداشت که سرکوب شد. مقتدی خلیفه وقت عباسی دختر ملک‌شاه را در سال ۴۷۴ خواستگاری کرد که دختر، مشروط به آن که خلیفه همسر و کنیز دیگری نداشته باشد، حاضر به قبول این ازدواج شد. خلیفه شروط را پذیرفت و ازدواج صورت گرفت (!) گویا عروس به سال ۴۸۰ عازم خانه بخت شد و در سال ۴۸۲ با یک فرزند از خلیفه به صورت قهر به اصفهان بازگشت. ملک‌شاه سفرهایی به کرمان و خوزستان داشت که برای آرام کردن و تثبیت اوضاع سیاسی آن مناطق انجام می‌شد. او در سال ۴۷۹ به حلب رفت و پس از گشودن آن، به بغداد وارد شد. نظام‌الملک نیز در این سفر سلطان سلجوقی را همراهی می‌کرد. آن‌ها با یکدیگر مرقد امام موسی بن جعفر (ع) و نیز معروف کرخی و احمد بن حنبل را زیارت کردند. روزهای بعد، سلطان و وزیر به زیارت قبر امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع) رفتند. در همین سفر، نظام‌الملک وارد مدرسه نظامیه بغداد شد، به کتابخانه مدرسه رفت و ساعتی به مطالعه کتاب‌ها پرداخت. آن‌ها در سال ۴۸۰ به اصفهان بازگشتند. سلطان در سال ۴۸۲ بار دیگر با سپاهی بی‌نظام عازم ماوراءالنهر شد و تا کاشغر رفت و بار دیگر نفوذ خود را در این مناطق تثبیت کرد. سلطان و وزیر، یک بار دیگر به سال ۴۸۴ به بغداد رفتند و سپس به اصفهان بازگشتند. در سال ۴۸۵ بار دیگر سفر بغداد پیش آمد که خواجه در صحنه - شهرکی میان همدان و کرمانشاه - توسط یکی از فدائیان اسماعیلی کشته شد. برخی از نقل‌های تاریخی حکایت از آن دارد که در اصل سلطان یا تاج‌الملک که رقیب نظام‌الملک بوده، در این کار دست داشته‌اند. سی و سه روز پس از آن، سلطان نیز در بغداد به دلیل بیماری ناشناخته‌ای درگذشت. هم اکنون مقبره‌ای در خیابان احمدآباد اصفهان، کوچه خواجه نظام‌الملک وجود دارد که گفته می‌شود هر دوی آن‌ها در کنار یکدیگر در آنجا دفن شده‌اند.

ولادت تاج‌الاسلام، محدث و معارف سده ششم هجری (۵06ق)، ابوسعید عبدالکریم بن محمد سمعانی ملقب به تاج‌الاسلام محدث و مورخ معروف سده ششم هجری در چنین روزی از سال ۵۰۶ هجری قمری در مرو چشم به جهان گشود. سمعانی برای کسب علم بیش تر ایام خود را در سفر گذراند و به ایران، عراق، شام، حجاز و ماوراءالنهر مسافرت کرد و از عالمان هر شهر و دیار بهره علمی برد. «تاریخ مرو» از جمله

گذشت ابن بصيص زبیدی، نهمدان لغت شناس، مشقه، بمنه، سده هشتم هجری (768ق)، ابن بصيص زبیدی نهودان و لغت شناس مشهور یمنی سده هشتم هجری در چنین روزی از سال ۷۶۸ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. ابن بصيص زبیدی مکنی به «ابوالعباس» و ملقب به «شهاب الدین» بود. این عالم مسلمان علاوه بر نحو و لغت، در عروض نیز استادی توانا محسوب می‌شد به طوری که از سراسر عربستان و عراق برای دانش اندوزی در علم نحو به محضر او می‌رفتند. از جمله آثار ابن بصيص زبیدی، «عروض و قوافی» را می‌توان نام برد. ابن بصيص زبیدی ملقب به شهاب الدین سرانجام در بیست و یکمین روز از شعبان المعظم سال

۷۶۸ هجری قمری چشم از جهان فرو بست. فاجعه غرق کشتی عظیم «تایتانیک» در اوایل قرن بیستم میلادی توسط انگلستان ساخته شد و علاوه بر عظمت و کشتی اقیانوس پیماي تایتانیک، در اوایل قرن بیستم میلادی توسط انگلستان ساخته شد و علاوه بر عظمت و بزرگی ظاهری، در داخل آن نیز از لوازم لوکس استفاده شده بود. این کشتی که انگلیسی‌ها آن را غرق ناشدنی نامیده بودند، با 300/46 تن، بزرگ‌ترین کشتی جهان تا آن مقطع به شمار می‌رفت. با این همه، این کشتی در اولین سفر خود در جریان پیمودن اقیانوس اطلس دچار مشکل شد و در واقع، آخرین سفر خود را انجام داد. در نیمه شب 15 آوریل 1912م، این کشتی با یک کوه یخ عظیم برخورد کرد و با تمامی استحکام و بزرگی، هم‌چون مقوایی درهم شکست. سرعت زیاد، کمی تعداد قایق‌های نجات و ناآمودگی کارکنان کشتی باعث شد تا از حدود دو هزار مسافر تایتانیک، در حدود هزار و پانصد نفر به همراه کشتی در اعماق دریا غرق شوند و فاجعه‌ای بزرگ و مصیبت‌بار را در آغاز قرن بیستم رقم بزنند. این حادثه سبب شد تا مقررات و تشریفات فراوانی برای تأمین ایمنی کشتی‌های اقیانوس پیما وضع گردد که به کارگیری بیشتر وسایل ایمنی، تجدیدنظر در وسایل موجود در تمام کشتی‌های مسافری و ایجاد مقررات سخت‌تر برای گشت و دیدبانی از جمله آنهاست.

شهادت افسر مسلمان مصری "خالداسلامبولی" توسط رژیم مصر (1982م) خالد شوقي اسلامبولي افسر مسلمان و مبارز مصري در سال 1958م به دنیا آمد. او در مدرسه فرانسوي نوتردام قاهره تحصیل کرد و سپس به ارتش پیوست و در 20 سالگی با درجه ستوانی در توپخانه ارتش مصر مشغول به کار گردید. وی ضمن این که از افسران لایق ارتش محسوب می‌شد، با جنبش اسلامی جهاد مصر، همکاری مخفیانه داشت. پس از امضای قرارداد ننگین کمپ دیوید که در آن انور سادات رئیس جمهور وقت مصر حکومت غاصب اسرائیل را به رسمیت شناخت، نقشه ترور این خائن به آرمان فلسطین، در ذهن خالد اسلامبولي ترسیم شد. این نقشه در ششم اکتبر 1981م عملی گردید و هنگامی که انور سادات در مراسم رژه نظامی ارتش مصر در سالگرد جنگ اکتبر 1973م شرکت کرده بود، خالد اسلامبولي در لحظه عبور زره‌پوش‌ها و خودروهای نظامی از مقابل جایگاه، همراه با چند تن از نظامیان هم‌رزم خود به سوی سادات آتش گشود. خالد اسلامبولي و گروهی که برای قتل او هم قسم شده بودند. در این زمان در مقابل جایگاهی که سادات و رهبران سیاسی و نظامی مصر در آن نشسته بودند توقف کردند و با سرعت عملی که بیشتر به یک فیلم سینمایی شباهت داشت از خودروی نظامی خود بیرون پریده، با شلیک مسلسل و پرتاب نارنجک به طرف جایگاه سادات پیش رفتند. در این حادثه، هفت تن از مقامات مصري به هلاکت رسیدند. که در جایگاه بودند و سادات نیز ساعتی بعد در بیمارستانی در قاهره به کام مرگ فرو رفت. پس از این عملیات شجاعانه، خالد اسلامبولي که رهبری آن را بر عهده داشت دستگیر و پس از یک محاکمه طولانی، در 15 آوریل 1982م در 34 سالگی تیرباران شد. وی در جریان محاکمه خود فریاد می‌زد: مردم! من فرعون مصر را کشتم.

سمعانی است که از منابع مهم تحقیق درباره منطقه مرو به شمار می‌آید؛ رود اما معروف ترین اثر سماعانی کتاب «الانساب» است که به انساب سماعانی نیز شهرت دارد. وی در این کتاب، مسائلی اعم از تفاسیر و علوم قرآنی، ادبی، عرفانی، تاریخی، سفرنامه ها و دواوین را جمع آوری کرده است. وی هم چنین در این کتاب ۳۳ تفسیر قرآن تا قرن ششم هجری قمری معرفی و بررسی شده است.